

غیر فارسی انسان‌شناسی

در چکیده‌های ایران‌شناسی

(بخش نهم)

340. [Vaghefi, M. R. «A micro-analysis approach to modernization process: a case study of modernity and traditionalism conflict» *IJMES*, 12 (1980), pp. 181–197.]

«برخورد تحلیل خرد به جریان نوسازی: تضاد میان سنت‌گرایی و نوگرایی»

341. Vercellin, Giorgio. «Transition in Cultures: Gharbzadegi versus

Orientalism— And After?». *Annali di Ca' Foscari* 24, 3 (1985), pp. 159–167.

«انتقال در فرهنگها: غربزدگی علیه شرق‌شناسی – و بعد؟»

واقفی (۳۴۰) تحلیل دقیقی از تضاد نوسازی و سنت‌گرایی می‌کند و فیشربنه تغییر و تنش

حاصله از آن می‌پردازد. (به سال درج مقاله‌ها توجه فرمایید.) توسلی (۳۳۸) اثر تلویزیون

آموزشی را در تعلیمات تکنیکی و کشاورزی بررسی می‌کند و نتیجه‌گیری می‌کند به‌غیر از مخارج

هنگفت چنین برنامه‌هایی، اثرات منفی نیز دارند.

تهرانیان (۳۳۹) مراکز ارتباطات رسمی و غیررسمی در ایران را برمی‌شمارد (همچون مراکز

ارتباط جمعی رسمی یا زورخانه‌ها و دوره‌ها). ورسلین (۳۴۱) ایران‌شناس ایتالیایی کتاب

شرق‌شناسی ادوارد سعید و غرب‌زدگی آل‌احمد را در برابر شرق‌شناسی معمول قرار می‌دهد و

سال ۱۹۷۸ را شروع تغییرات اساسی در ایران می‌یابد. داریوش شایگان (۳۳۷) به جستجوی

انسان مسلمان *Homo Islamicus* می‌پردازد. فریدل (۳۳۴) از طریق تحلیل رنگ در

جنوب غربی ایران (منطقه تحقیق وی ایلات بویراحمد است) تغییرات فرهنگ را نشان می‌دهد.

مقالات خسروخاور و خرم‌نژاد (۳۳۶، ۳۳۵) گرایش به جامعه‌مصرفی - غربی را بعد از انقلاب نشان می‌دهد. همچنان خسروخاور با تحلیل «زبان» تغییر مفاهیم پس از تغییر نظام را خاطر نشان می‌سازد.

انسان‌شناسی آموزش

342. *Das Schulwesen in der Islamischen Republik Iran*. Hrsg. Büro für Forschung der Internationalen Bildungssysteme. Tehran, Organisation of Research and Educational Planning, 1986, 36 p. [Le système de l'enseignement en République Islamique d'Iran]

«نظام آموزشی در جمهوری اسلامی ایران»

343. Křikavová, A. «The Educational Reform in Iran», *Ar. Or.*, 49, 3 (1981), pp. 221 à 239.

«اصلاحات آموزشی در ایران»

344. Samadzadeh Darinsoo, Fatemeh. «Die Islamisierung des Schulsystems der Islamischen Republik Iran. 1) Behandelte Verlauf und Organisatorische Massnahmen. 2) Inhalte und Leitvorstellungen». *Orient* 27, 3 (1986), pp. 450-482 et 27, 4 (1986), pp. 629-641.

«اسلامی کردن نظام آموزشی در جمهوری اسلامی ایران»

345. [Shorish, Mobin M. «The Islamic Revolution and Education in Iran». *Comparative Education Review* 32, 1 (1988), pp. 58-75.]

«انقلاب اسلامی و آموزش در ایران»

در تحقیقات انسان‌شناسی و بخصوص مکتب «فرهنگ و شخصیت» به آموزش کودکان جای مهمی می‌دهند، زیرا آموزش در بچه‌ای است برای شناخت یک فرهنگ، برای شناخت شخصیت‌های تشکیل دهنده آن فرهنگ. آن شخصیتی که انتظار می‌رود افراد یک جامعه داشته باشند، از طریق آموزش دادن به کودکان به آنها منتقل می‌گردد. بنابراین با تحلیل این آموزش می‌توان به اخلاق، شخصیت، مشاغل، مراتب و غیره در یک جامعه واقف شد.

مقالات بالا تحقیق در مورد آموزش سنتی ایرانی نیست، بلکه محققین به آموزش معمول در مدارس می‌پردازند. مقاله کریکاووا (۳۴۳) به سالهای ۵۳ - ۱۳۴۴ مربوط است. مقاله صمدزاده درینسو (۳۴۴) به اسلامی شدن برنامه مدارس می‌نگرد، و کتابچه (۳۴۲) معرفی کلی برنامه تحصیلی در ایران است.

346. Basri, H., «Ci-devant technocrates». *Peuples Méditerranéens*, 29 (1984), pp. 105–116. «اینجا دیوان سالاران»

347. Farazmand, A. «The impact of the revolution of 1978–1979 on the Iranian bureaucracy and civil service». *International Journal of Public Administration* 10, 4 (1987), pp. 337–345.

«اثر انقلاب ۷۹ – ۱۹۷۸ بر دیوان سالاری و دستگاه اداری ایران»

348. Zamedi, Sh. «Corruption in developing countries: the Iranian case». *Administrative Change*, 5, 2 (Janv.–Juin 1978), pp. 141–150.

«فساد در کشورهای در حال توسعه: مثال ایران»

مقالات بالا به ادارات دولتی، کارگزاران این بخش و فساد در کشورهای در حال توسعه که نتیجه نابرابری‌های اقتصادی – اجتماعی است می‌پردازد. مقاله زامدی (۳۴۸) به قبل از انقلاب برمی‌گردد، مقاله فرازمنند (۳۴۷) اثر انقلاب را بر کادر اداری بررسی می‌کند، مقاله بصری (۳۴۶) زندگی روزمره در یک اداره را بعد از انقلاب توصیف می‌کند.

انقلاب

349. Attari, Djafar. «Transformation de la religiosité populaire en Iran». *Peuples Méditerranéens* 34 (1986), pp. 123–137.

«دگرگونی مذهب عوام در ایران»

350. Basri, H. et Hourcade, B., «L'expérience conseilliste». *Peuples Méditerranéens* 29 (1984), pp. 41–52.

«تجربه شورایی»

351. Digard, P.-P. «Analyse anthropologique des composantes économiques, sociales et culturelles de la révolution iranienne de 1978–1979», in *Annuaire, comptes rendus des cours et conférences 1978–1979/1979–1980*, Paris, École des Hautes Études en Sciences Sociales, 1982, pp. 326–329.

«تحلیل انسان‌شناسانه از محتوای اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی انقلاب ایران ۱۹۷۹ – ۱۹۷۸»

352. Digard, J. P., «Fondements et formes du pouvoir en Iran (Anthropologie sociale et ethnologie du Moyen-Orient iranien)», in *Annuaire de l'École des Hautes Études en Sciences Sociales (Comptes rendus des cours et conférences 1980–1981, 1981–1982)*, Paris, E.H.E.S.S., 1985, pp. 347–350.

«پایه‌ها و قالب‌های قدرت در ایران»

353. Durand, J. M., «La destruction symbolique du pouvoir», *Peuples Méditerranéens*, 17, (Oct.-Déc. 1981), pp. 37-65. «شکست نمادین قدرت»
354. Mahjoub, A., «La manifestation, le martyr, du révolutionnaire à l'étatique». *Peuples Méditerranéens*, 29 (1984), pp. 17-40.
«تظاهرات، شهید، انقلاب دولتی»
355. Eftekhari, P., «Le testament de Hossein Simyari». *Peuples Méditerranéens*. 29 (1984), pp. 117-130. «شهادت نامه حسین سیماری»
356. Moayed Hekmat, N., *Véçu religieux, vécu révolutionnaire; convergence de forme, divergence de contenu, en février 1979 à Téhéran*, Thèse de doctorat de 3^e cycle en ethnologie (dir.: H. Balfet), Aix-en-Provence, Université de Provence, 1984, 462 p. en 2 vol.
«تجربه مذهبی، تجربه انقلابی»
357. Naraghi, Ehsan. «Dans les prisons de Téhéran», propos recueillis par Philippe Simonnot. *Esprit* 8-9 (Août-Septembre 1987), pp. 55-62.
«در زندانهای تهران»
358. Najmabadi, S. «Un regard différent sur l'Iran d'aujourd'hui». *Le Monde Diplomatique* Janvier 1987, p. 32. «نگاهی دیگر بر ایران امروز»
359. Schlumberger, H. *Durchs freie Kurdistan. Erlebnisse in einem vertrauten Land* («À travers le Kurdistan libre. Aventures dans un pays accueillant»). Munich, 1980, 219 p. «گذر از کردستان آزاد»

بهترین مقالات انسان‌شناسی در زمینه انقلاب در مجله مردم مدیترانه چاپ فرانسه ارائه شده است. دو مقاله دوران و محبوب (۳۵۳، ۳۵۴) به دو موضوع ظریف می‌پردازند: تحلیل مزاح برای درک مفهوم قدرت در بین مردم، و تحلیل تظاهرات مردم در قبل و بعد از انقلاب افتخاری (۳۵۵) وصیت‌نامه یک شهید را به دقت تحلیل روانی-فرهنگی می‌کند. عطاری (۳۴۹) به مذهب عوام و تغییراتی که در آن مشاهده می‌کند می‌پردازد.

بصری (۳۵۰) «شورا» را تا دو سال بعد از انقلاب مورد بررسی قرار می‌دهد. مؤید حکمت (۳۵۶) به مفهوم انقلاب و مذهب در شش قشر جامعه در پایان‌نامه دکتری خود می‌پردازد. در دو نگاه کوتاه دیگر (۳۵۱، ۳۵۲) به شکل مذهبی و عشائری قدرت و محتوای اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی انقلاب می‌پردازد. مقاله نجم‌آبادی (۳۵۸) نگاهی متفاوت از مقالات روزنامه‌نگاران به انقلاب ایران دارد. شلامیرگر (۳۵۹) زمستان ۱۳۵۷ را در میان کردها می‌گذراند و از مبارزات آنها در این دوران قلم می‌زند.

آنچه مربوط به زنان و انقلاب است در قسمت زنان خواهد آمد.

مهاجرت یا تبعید

360. Ansari, A. A community in process: The first generation of the Iranian professional middle-class immigrants in the United States. *International Review of Modern Sociology*, 7, 1, 1977, pp. 85-101.

«جامعه‌ای در پویش: نسل اول ایرانیان شاغل مهاجر به امریکا»

361. Bozorgmehr, Mehdi & Sabagh, Georges. «High Status Immigrants: a Statistical Profile of Iranians in the United States». *Iranian Studies* 21, 3-4 (1988), pp. 3-36.

«مهاجرین بلندپایه: تصویری آماری از ایرانیان مقیم امریکا»

362. Gharagozloo-Bahrami, Azita, *Communication Difficulties of Iranian Students in the United States: A Case Study*, Ph.D. dissertation, University of Missouri-Columbia, 1983, 321 p.

«مسائل ارتباطی دانشجویان ایرانی در امریکا»

363. [Kazemi, M. S. *Iranian in Ontario. A New Community in a Land of Opportunity*. Toronto, Mihan, 1986, 144 p.]

«ایرانیان ایالت اونتاریو کانادا. جامعه‌ای جدید در سرزمین فرصتها»

364. Mahrhad, Ahmad. *Zur Situation iranischer Intellektueller: Beobachtungen im Exil und in Iran*. Frankfurt a. M., etc, P. Lang, 1985, 188 p. (Europäische Hochschulschriften, Reihe 31; Politikwissenschaft, 69).

[De la situation des intellectuels iraniens; observations en exil et en Iran.]

«موقعیت روشنفکران ایرانی. مشاهداتی در تبعید و در ایران»

365. [Pliskin, Karen L. *Silent Boundaries. Cultural Constraints on Sickness and Diagnosis of Iranians in Israel*. New Haven/London, Yale University Press, 1987, x-283 p., glossaire, index.]

«مرزهای بی صدا. اثر فشارهای فرهنگی بر بیماری و تشخیص ایرانیها در اسرائیل»

366. [Sabagh, George & Bozorgmehr, Mehdi. «Are the Characteristics of Exiles Different from Immigrants? The Case of Iranians in Los Angeles». *Sociology and Social Research* 71, 2 (1987), pp. 77-84.]

«آیا خصلت‌های تبعیدیها از مهاجرین متفاوت است؟»

ایرانیان مقیم امریکا موضوع اغلب مقالات و پایان‌نامه‌های فوق می‌باشند، هرچند ایرانیان در کانادا، در آلمان و حتی اسرائیل نیز مورد بررسی قرار گرفته‌اند. مقاله انصاری (۳۶۰) چکیده

پایان‌نامه محقق است و برگردان فارسی آن ایرانیان مهاجر موجود است.

پایان‌نامه قره‌گزلو (۳۶۲) وفق مثبت و عدم وجود مسئله خاص در میان ایرانیان را نشان می‌دهد. مهرداد (۳۶۴) به جنبه‌های منفی وفق روشنفکران ایرانی در تبعید پرداخته است.

در پایان

یک نتیجه که امید است با این معرفی حاصل شود این است که محققین جوان بدانند در برد چه مطالبی تاکنون کار شده، و بر این مبنای پژوهشهای آینده خود برنامه‌ریزی کنند. از طرف دیگر، کسانی که ترجمه در مقوله فعالیت‌هایشان جای گرفته، می‌توانند با استفاده از این منابع و در نظر گرفتن آنچه تاکنون ترجمه شده، دست‌بدین کار زنند. البته منابع ترجمه شده به فارسی بسیار محدود و پراکنده است و اگر بتوان برنامه‌ای منظم و متعادل برای ترجمه متون اساسی تهیه کرد، بسیار نیکو خواهد بود. طبیعتاً لازمه یک چنین طرحی در دست داشتن اصل متون می‌باشد و فقط همکاری با کتابخانه‌های معتبر می‌تواند این گردآوری را میسر سازد.

نکته دیگر که امید است مشخص شده باشد این است: انسان‌شناسان بر مبنای محیط فکری خود تحقیق می‌کنند. موضوع کار آنها بر مبنای آنچه محیط فکری‌شان در مورد یک کشور بیان‌دیشد شکل می‌گیرد: مثلاً در مورد ایران، جامعه‌عشائری، صنایع دستی و زنان و انقلاب اهمیت داشته است. حال برای انسان‌شناس بومی موضوع به صورت دیگری مطرح است: بر مبنای محیط فکری انسان‌شناس بومی و بر مبنای نیازهای کشورش، چه تحقیقاتی باید صورت گیرند؟ اینجا است که محقق باید ورق را برگرداند و با در نظر گرفتن نیازهای درونی از اندوخته‌های علمی یاری جوید. طبیعتاً چنین قدمی افق‌های تازه‌ای را می‌تواند در پژوهشهای آینده باز نماید و سهم خاص این رشته را در میان دیگر علوم مشخص نماید.

* Abstracta Iranica, Supplément Studia Iranica Département d'Iranologie de l'Institut Français de Téhéran, diffusion: E. Brill, Leiden.